

آفتهای سرگروه : عدم تطابق قول و فعل

گزارش هفتم.

این جلسه: آفتهای سرگروه : عدم تطابق قول و فعل

به تاریخ: شنبه ۹۳/۳/۱۰ - ویرایش : دانش آموز

آفتهای سرگروه:

- خودمحموری
- عدم تطابق قول و فعل
- تکبر و غرور
- مرید پروری
- وابستگی به اعضای گروه
- غفلت از برخی اعضا یا مسائل در حلقه و جو

.....

2- (□ عدم تطابق قول و فعل)

حسن : مربی هم یک انسان جایز الخطاست، معصوم که نیست

حسن : مربی باید مراقبتش بیشتر از دیگران باشه.. همین

دانش آموز : جایز الخطا نه... ممکن الخطا.

دانش آموز : دوما مربی حالت پیامبر گونه داره... با رفتارش داره به ملت درس میده.

یک مربی برای گروهش الگو هست.. دیدها به طرفش هست.

حسن : بله این درست تر

حسن : بله اما معصوم نیست

عبدالله : لم تقولون مالا تفعلون. کبر مقتا عندالله ان تقولوا ما لا تفعلون. مربی بهترین مثال و نمونه از اسلام و سیه برای متربی هست برای همین باید خیلی مواظب رفتارهاش باشه. مسلما رفتارها و خلق و

خو و منش برای مربی مهمه و اونها یادش میمونن. درسها و بحثها فراموش میشن. یه مثال در رابطه با خودمون بزمن: مهربونی و خوش اخلاقی فلان معلمون رو یادمون هست ولی درسایی رو که داده یادمون نیست

... : ذکر خاطره شخصی مرتبط :

چند هفته پیش بعد نماز که خواستیم حلقه رو شروع کنیم ' زنگ زدن بهم که فرمانده ناحیه و مسئول ت آ ناحیه دارن میان بازرسی حلقه شما..

من حلقه رو شروع کردم ' بحث مون هم تفسیر و توضیح سوره ؟؟؟؟ بود.. چون تا حالا ایشون شخصا نیومده بودن من یه کم حول شدم که چیکار کنم الان تا بیان.. به بچه ها گفتم بچه ها مثل همیشه مودب و خوب باشین و مشارکت و همکاری بحثی و ... جلوی فرمانده که ایشون هم اصن حلقه رو ببینن حال کنن..

یکی از بچه ها درس بزرگ و شکننده ای به من داد...
- آقا مگه نگفتین ما همه کارهامون رو با اخلاص برای رضای خدا انجام میدیم.. حالا چرا میگین این فرمانده که قرار بیاد حتما باید خوشش بیاد..

ببینید...

ساکت و آرام شدم... و درس خودم رو گرفتم. حتی موقع تشریف فرمایی اون بزرگوارها چون بچه ها قرآن دست مون بود بلند هم نشدیم.. توی حلقه نشیتند و ضمن عذر واهی ازشون بحثم رو ادامه دادم و تمام کردم.. در حالیکه اصن رضایتشون دیگه برام مهم نبود.. و طبیعی کار خودمون رو انجام دادیم مثل همیشه...
یاد گرفتم رضایت خدا همیشه مد نظرم باشه...

عبداللّاه : احسنت

حسن : احسنت

علیرضا: آفرین به اون پسر بچه

امیر : بعضی وقتا فکر می کنم یه کوزه خالی ام؛ حالا چی به بقیه بدم؟

علیرضا: منم بعضی وقتا اینطوری میشم.. چرا؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

امیر : بَلِّ الْإِنْسَانَ عَلِمَهُ نَفْسُهُ بِصَيْرَةِ الْقِيَامَةِ،
14

بلکه انسان خود به وضع خویش بیناست.

دانش آموز : اصن قبول دارین حلقه صالحین یه سیستم تربیتی دو طرفه است؟

امیر : بله

محمد : عدم تطابق قول و فعل از نشانه های نفاق است ولو نفاق خفیف است خیلی از خروجی جلسات و مساجد چرا پایبندی به ارزشها و...کم است بخاطر این است که سرگروهها دچار این عدم تطابق قول و فعل هستن

محمد : البته این علت تامه نیست عوامل دیگری نیز است

دانش آموز : نه فقط متربیها تربیت میشن'

مربی یا سرگروه هم باید'

مطالعه کنه - تا حرف داشته باشه

تهذیب نفس کنه - تا سلامت حلقه رو تضمین کنن

خودشو خالص کنه - تا سخنش گیرا بشه (آن سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند..)

مواظب اعمال و رفتار خودش باشه خطا نکنه

احترامات و آداب جمع رو عمل کنه

برای موفقیت ' سلامت و تعالی اعضای حلقه خودش دعا کنه...

خلاصه خود رو تربیت کنه. البته اگه واقعا بخواد یک مربی شهادایی باشه.. نه یک مربی نما.

و اینکه برکت حلقه هم همینطوری نصیبش میشه..

دانش آموز : این اخلاص هم واقعا کار سخته.. که آدم واقعا پا بر

روی نفس خودش بذاره و به خشنودی مردم توجه نداشته و کاملا متوجه توجه و رضایت خدا باشه.

عبدالله : باید تقوی رو رعایت کنه که اگر با تقوا شد

انما يتقبل من المتقين- اعمالش قبول میشه

من يتقل الله يعلمه- خداوند معلمش میش

من يتقل الله يجعل له فرقا نا- شناخت حق و باطل رو بهش میده

من يتقل يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث لا يحتسب-راه در رو و راه

برون رفت رو بهش میده و از اون جایی که محاسبه نمیکنیم روزی میده. این روزی عام هست و شامل روزی علمی-فرهنگی-هنری و... میشه

امیر : مربی اگر مکروه انجام بده متربی حرام انجام می ده. جمله سنگینیه؛

عبدالله : بله. افرین امیر جان. برای همین بوده که علما و فقهای سابق اعمال عبادیثون رو به دو دسته واجب و حرام تقسیم بندی کرده بودن. مستحبات رو جزو واجبات و مکروهات و مباحات رو جزو حرام می شمردن

حسن : امیر جان خیلی سنگینه جمله ای ک نوشتی

امیر : • امام علی علیه السلام :
مَنْ لَمْ يُمْسِجْ نَفْسَهُ لَمْ يُمْسِجْ غَيْرَهُ؛
هر کس خودش را اصلاح نکند، نمی تواند دیگران را اصلاح نماید.
غررالحکم، ح 8990

امیر : • رسول خدا (ص) : شب معراج که به سوی آسمانها عروج کردم در مسیر خویش بر گروهی برخورد کردم که لبهای ایشان را با قیچهای آتشین میبریدند و در آتش میافکندند از جبرئیل پرسیدم اینها چه افرادی هستند؟ در پاسخ گفت سخن سرآیان و خطیبان امت شما هستند که مردم را به کارهای پسندیده میخواندند و خود غافلاند از آن و حال آنکه ایشان قرآن را تلاوت میکردند ولی از گفتارش غافل بودند.
وسائل الشیعه جلد 17 صفحه 318

امیر : • رسول الله ص : « یا اباذر مثل الذی یدع بغیر عمل، کمثل الذی یرمی بغیر وتر »
ای ابوذر، مثل کسی که مردم را به دین دعوت می کند اما خود اهل عمل نیست، مانند کسی است که تیراندازی می کند بدون اینکه کمانی داشته باشد.

محمد : : آسیب شناسی سرگروه / تطابق نداشتن قول و فعل عوامل؛

کم شدن انگیزه

ارتباط با ناصالح

گرفتن مسئولیت با انگیزه های انحرافی

عواقب اخروی:
دوری از خدا
کاهش محبوبیت
کاهش اثر بخشی و تأثیرگذاری
اثر بخشی منفی
راهکارها:
هشدار به تغییر مسئولیت
برگزاری جلسات اخلاق
ارتباط با بزرگان اخلاق
تهذیب نفس
جلسات دعا و توسل
تذکر به خود در هنگام توصیه به دیگران
انجام عمل قبل از پیام
مشارطه، مراقبه، محاسبه